



محمدجواد ظریف به سناتور کاتن پاسخ داد

تک وپاتک توییتری

گروه سیاست: فعال‌ترین وزیر ایران در شبکه‌های اجتماعی در چند روز گذشته به‌سختی درگیر یک رویارویی مجازی با یکی از سرسخت‌ترین مخالفان توافق هسته‌ای بود؛ محمدجواد ظریف و سناتور «تام کاتن» در پیام‌های توییتری «پینگ‌پنگی» به نقد...

صفحه ۱۹

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۱۴ رجب ۱۴۳۶ - ۳ می ۲۰۱۵

یادداشت



یادداشتی از حبیب‌الله پیمان

پیامدهای خشونت قومی و مذهبی

صفحه ۱۲

تیترها

رئیس مجلس خبرگان رهبری:

ولی فقیه
مبسوط‌الیداست

صفحه ۳

محمود احمدی‌نژاد در بابل:

به زودی شاهد ظهور
امام عصر (عج) خواهیم بود

صفحه ۳



گفت‌وگو با حسین پاینده
مصرف مانع از برملاشدن نابرابری‌ها...

صفحه ۹

حرف اول

اهمیت کانال بازگفت‌وگو

حامد طبیبی



دو جنگ منطقه‌ای تعیین‌کننده در تحولات جهانی، یعنی حمله ایالات‌متحده و «اتلاف» به افغانستان و لشکرکشی به عراق

(سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی) واری همه درس‌ها و تغییرات استراتژیک مؤلفه‌های قدرت جهانی، نکته‌ای مشخص را به همه طرف‌های فرمانطقه‌ای یادآوری کرد: نمی‌توان به خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز یا حتی آسیای جنوبی کام نهاد و از کنار نام و اثربخشی کشوری به نام ایران به‌سادگی عبور کرد. طالبان به‌عنوان دشمن بالفعل عقیدتی-

سیاسی همسایه شرقی خود، یعنی ایران، پس از کشتار ناجوانمردانه دیپلمات‌های ایران و خبرنگار «ایرنا» در مزارشریف، اگرچه خود را پشت‌کرم به برخی حمایت‌ها دید، اما زمان زیادی نگذشت که همسویی منافعش با برخی قدرت‌های فرمانطقه‌ای را از دست‌رفته دید. اتفاق هولناک ۱۱ سپتامبر، نوکان‌های (جمهوری‌خواهان محافظه‌کار) حاضر

در کاخ سفید را به گزینه جنگ با تروریسم القاعده رساند و به‌طور طبیعی، حکومت خودکامه و مرتجع طالبان هم در این لشکرکشی، پاسوز برخورد با ایدئولوگ‌های مسلک اسامه بن‌لادن شد. دیپلماسی ایران در دولت اصلاحات، در نقطه اوج قرار داشت و وقتی بنا شد همه قدرت‌های جهانی در اجلاس «ین» گرد هم آیند، راهی جز فرستادن دعوت‌نامه به آدرس ایران نبود. ایالات‌متحده و جمهوری اسلامی با وجود یخ روابط، با صلاح‌حید مسئولان ارشد نظام، در آن اجلاس رودرروی هم نشستند...

ادامه در صفحه ۴



کارگران پس از ۸ سال مجوز گرفتند

مجالى برای راهپیمایی

صفحه ۴



عکس: آیدین رهبر

رئیس جمهوری:

«فکثشیت» ما قبل از آمریکا منتشر شد

صفحه ۲

یادداشت

شهید مطهری و احیای اندیشه دینی



محمدتقی فاضل‌مبیدی
عضو مجمع محققین
و مدرسین حوزه علمیه قم

و رشیدرضا و شاه‌ولی‌الله دهلوی و اقبال‌لاهوری و طالقانی و شریعتی و مطهری تا در این روزگار تحولات مهمی در عرصه احیای اندیشه دینی رخ داده است. به‌ویژه پس از نهضت مقدمات مشروطیت که عالمان دین در این فکر افتادند که آیا مشروطیت که یک پدیده مدرن و غربی است می‌تواند در ایران اسلامی دوام آورد و تعارضی با دین پیدا نکند. دو عالم بزرگ عصر مشروطیت؛ مرحوم آخوندخراسانی و مرحوم میرزای‌نابینی که عالمان اصولی و عقل‌گرا بودند، در دفاع از مشروطیت و اینکه این پدیده تعارضی با اسلام ندارد، رساله‌ای نگاشتند و هر قانونی که در برابر ظلم حاکمان بایستد و قدرت سیاسی را از دست شاه خارج کند را عمده پیام دین دانستند.

از کسانی که دغدغه واپس‌گرایی مسلمان داشت و در میان روحانیون زمان خود، کارها جلوتر بود و همواره به‌دنبال احیای اندیشه دینی بود، مرحوم شهید مطهری است. امتیاز شهید مطهری نسبت به دیگران در این بود که می‌گفت باید آسیب‌شناسی و پیراستن دین از تحریف‌ها و انحراف‌ها را بر هر چیز مقدم داشت. واژه‌های: خشک‌مغزی، تعصب، جمود، جهل، افکار خوارچی و... از کلماتی بود که مطهری زیاد استفاده می‌کرد و آنها را کلماتی می‌دانست که با بار معنایی منفی و زاینار بر دامن معرفت دینی نشسته و خیلی از فقیهان و مفسران را دچار بدفهمی از دین کرده است. مطهری بر این باور بود که نخست ضعف شناخت و جهل مردم به دین باید از بین بُرد و مردم را آگاه کرد و این را وظیفه علما می‌دانست.

ادامه در صفحه ۱۶



دیروز وامروز آیت‌الله در گفت‌وگو با دکتر عبدالله نصری

برای بیان عقیده مصلحت‌قائل نبود

گروه سیاست: از شاگردان و علاقه‌مندان آیت‌الله است؛ و این علاقه را می‌شود از فحوای کلامش حس کرد. می‌گوید «مطهری، فیلسوف و متکلم دینداری است که فصل ممیز انسان را ایمان می‌داند». عبدالله نصری، استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی...

صفحه ۱۰

سال دوازدهم - شماره ۲۲۹۰ - ۲۰ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

زمینه وزمانه تندروها

احمد غلامی . سردبیر



بعد از سال ۸۴، اصلاح‌طلبان بی‌دولت شدند و اصولگرایان کم‌اعتبار. اگر بخواهیم نگاهی تاریخی به تندروهای ایران بکنیم و برایشان تاریخ بسازیم، تبار آنها شاید به «فدائیان اسلام» بازگردد. البته با این ملاحظه که در بین تندروهای ایران معاصر کسی به صداقت و اخلاص نواب‌صفوی وجود ندارد. اگر هستند، آن‌قدر ندارند که در طیف‌های مدعی اصولگرایی تأثیر چشمگیری ندارند.

برای شناخت و تبیین اصولگرایی چاره‌ای جز رجوع به تاریخ و تبارشناسی آنها نداریم. شهید نواب‌صفوی در مانیفست فدائیان اسلام؛ «کتاب راهنمای حقایق» - به نکاتی می‌پردازد که اینک بخش عمده‌ای از آن باورها در جامعه رایج و جاری است. با اینکه اصولگرایان تبار و مانیفستی روشن دارند اما در اندیشه‌هایی که به ارث بردند، نه تحولی ایجاد کردند و نه چندان درصدد احیای آن برآمدند تا جریان‌ساز باشند و عملاً به سمتی رفته‌اند که کاملاً از روحیه رهبری فدائیان دور است: محافظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی صرف.

اگر زمانی هم لب به سخن گشوده‌اند آن‌قدر دیر و بی‌اثر بوده که کاری از پیش نبرده است. از «مؤتلفه» در انتقاد از دولت احمدی‌نژاد انتظار بیشتری می‌رفت. رئیس‌جمهور برگزیده اصولگرا به‌خصوص در اواخر دولتش چنان حرف‌های ساختارشکنانه‌ای می‌زد که اصلاح‌طلبان در خواب هم جرأت گفتش را نداشتند. اما اکثر اصولگرایان سکوتی مصلحت‌آمیز را در پیش گرفته بودند.

مخالفت‌های اصولگرایی چون لاریجانی و توکلی و ناداران، فاقد برخوردی تشکیلاتی بود. اکثر اصولگرایان فکر می‌کردند به‌نفعشان نیست اوضاع را برهم بزنند. می‌ترسیدند تشتت ناشی از برخورد بین آنها، اصلاح‌طلبی را احیا کند. با گذشت زمان مشخص شد این فکر غلط بوده است. اگر اصولگرایان حتی تندروهای نزدیک به احمدی‌نژاد، او را نقد می‌کردند شاید اشتباهاتش به پای آنها نوشته نمی‌شد و این‌گونه بدون رجل و نماینده باقی نمی‌ماندند. آنها اصول را فدای مصلحت کردند؛ کاری که پدر معنوی آنها هرگز و در هیچ شرایطی تن به آن نداد. به گفته پدالده سبحانی: «هشیار سیاسی و صداقت و اخلاص نواب کم‌نظیر بود. با وجود دشمنی با جبهه ملی همکاری با قوام را نپذیرفت در حالی که بعضی از فدائیان سازش کردند».

سؤال اساسی اینجااست، چرا تندروها در برابر کارهای احمدی‌نژاد مسامحه و مصلحت‌اندیشی کردند. حتی حسین شریعتمداری که مقالاتش در مواجهه با اشتباهات اصلاح‌طلبان شمشیر دودم است، در برابر اشتباهات احمدی‌نژاد چنان دست پایین را می‌گرفت که از نوشته‌های انتقادی‌اش، رئیس‌جمهوری قدرتمند سر برآورد. همواره از او با عزت و احترامی اغراق‌آمیز یاد می‌کرد و در پایان چون برادری کوچک‌تر به نصیحتش می‌پرداخت. شریعتمداری می‌ترسید اگر نقد تندی به دولت بکند، اصلاح‌طلبان بُل بگیرند و پیروزی اصولگرایان را به کامشان تلخ کنند. فارغ از اینکه این ترس، بجا بود یا نابجا، مهم این بود که احمدی‌نژاد قصد داشت به حرف کسی گوش نکند. درواقع هیچ‌یک از اصولگرایان به این نکته پتی نبردند که احمدی‌نژاد بیش از آنکه برای اصلاح‌طلبان خطرناک باشد، برای اصولگرایان خطرناک است.

احمدی‌نژاد همان بود که پنهان کرده بود و شایعی از آن رونمایی کرد. او نقشه راهی در سیاست داشت و دارد که هیچ سختی با منش اصولگرایان ندارد. او با بهره‌گیری از علاقه مردم به ستایش بی‌حدوحصر از امام غایب (عج) که تمام شیعیان اعتقادات و عواطف عمیقی نسبت به ایشان دارند، روش سیاسی خود را کلید زد. او می‌خواست به شکل تلویحی بگوید مشروعیتش را از جای دیگری می‌گیرد. خطمشی دیگر او، بازگشت ملی‌گرایی صوفیانه بود. ترکیبی از دولت‌های ساسانی و صفوی، ترکیبی از شعر حماسی و عرفان. فراموش نکنیم در دوره دوم ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد بود که وی چند صباحی می‌کوشید «وزارت شعر» تأسیس کند. مهندسی که در رقابت‌های انتخاباتی ۸۴ خود را «اهل حساب‌و‌کتاب دقیق» معرفی می‌کرد، به‌ناگهان در دولت دهم طبع شعر پیدا کرد و خود را به هیأت سیاوشی می‌دید که از آتش عبور خواهد کرد.

بخش اول را او خودش به‌نوعی جلو برد و پروژه هاله‌نور در سازمان‌ملل یکی از هوشمندانه‌ترین ترندهای او به‌شمار می‌آید. پروژه دوم را رحیم‌شایی با زیرکی پیش می‌برد.

ادامه در صفحه ۲

سازمان آگهی‌های

روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸

۸۸۱۹۳۹۷۹

تحويل روزنامه درب منزل یا محل کار شما

بدون هزینه ارسال

۰۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰

هاکوپیان

کلکسیون دامادی و مجلسی

با استایل و پارچه‌های ایتالیایی

در فروشگاه‌های سراسر کشور

۰۲۱-۸۸۸۲۳۴۱۲

HACOUPIAN.NET